



رامین جهان پور - کتاب «گمشدگان کیش در خلیج فارس» مجموعه خاطرات و لسی‌الله فتیحی کارمند اسبق و بازنشسته سازمان بنادرودریانوردی است که مدتی است است و وارد بازار کتاب شده است. فتیحی که یکی ازغزلسرایان وادیبان پیشکسوت معاصر است درکنار شاعری گاهی هم به نوشتن خاطراتی که دردربا گذرانده می پردازد. فتیحی هم ازآن دسته افرادی است که با دریا وفوت و فن آن آشنایی کامل دارد واز آنجا که بیشترین روزهای خدمتش را در بنادر جنوبی کشور گذرانده با حال و هوای صیادان وملوانان و ناخداها وهمچنین دریا و بندر کاملاً آشناست و طبیعتاً از آنجا که خود بنادرو دریاهایش را از نزدیک لمس کرده مطالبی را که به روی کاغذ می آورد هم طبیعی و قابل لمس هستند وهمین مساله باعث می شود مخاطب هنگام مطالعه کارهایش،همذات پنداری بهتر و بیشتری با نوشته هایش داشته باشد. ازدیگر ویژگی های این نویسنده نثر روان وپالایش شده‌اش است که به تعلیق داستان هایش کمک می کند وهمچنین به ارتباط عاطفی و احساسی که خواننده در مقابله با نوشته هایش به دست می آورد. در مقدمه کتاب از زبان نویسنده اینگونه می خوانیم: «کتاب گمشدگان کیش در خلیج فارس برگرفته از جریان و اتفاقی حقیقی است که در خلیج فارس برای من و دو نفر از همکارانم در جزیره کیش رخ داد. اگر چه قبلاً قسمتی از آن به صورت شعر در کتاب «شیبی با دریا» منتشر شده، لیکن بنا به درخواست تعدادی از دوستان تصمیم گرفتم این خاطرات دریایی را به صورت نثر و با زبان ساده‌تری به‌ویژه برای نوجوانان و جوانان چاپ و منتشر کنم. در این کتاب مخاطب با دنبال کردن روایت، علاوه بر اینکه درگیر داستان شده و با حالات و دگرگونی‌های گمشدگان همراه می‌شود، با اطلاعاتی درباره خلیج فارس و جزایر ایرانی نیز آشنا شده و آگاهی عمومی او در این زمینه افزایش می‌یابد.» فتیحی در ادامه می گوید: «خلیج فارس بسا اینکه موقعیت مهم و اهمیت بسیار زیادی از نظر سیاسی، تاریخی اقتصادی و سوق الجیشی دارد، کمتر مورد شناسایی بهتر و عنایت دولتمردان در سال‌های گذشته قرار گرفته است. بنابراین برای آشنایی بیشتر مردم و به‌ویژه جوانان ایران زمین پرداختن به آن ضرورت دارد. بدیهی است نقش وزارتخانه‌ها و ادارات مسئول و استانداری‌ها در مورد عمران و آبادانی سواحل خلیج فارس و دریای عمان بسیار مهم است و باید با برنامه‌ریزی و اقدامات فوری و جهادی اقدام کنند. همچنین ضرورت دارد که رسانه‌های گروهی و نویسندگان مردم را در این زمینه آگاهی دهند»....«داستان این کتاب در مورد چند دوست وهمکار دریایی است که از یکی ازبنادر جنوبی کشور به وسیله قایقی عازم جزیره کیش می شوند اما به خاطر جو نامناسب و وضعیت بد آب و هوایی دردربا گم می شوند و اتفاقات و ماجراهای پر از بیم وامیدی که برایشان دردربا می افتد با عث نوشتن این خاطرات بلند دریا می شود.دراوی این خاطرات هم خوندنیست است که از زبان اول شخص مفرد ماجراهای پیش آمده را برای مخاطب روایت می کند. همانطور که گفته شد قبل ازا اینکه این خاطرات به صورت نثر تعریف شوند فتیحی اشعار و قصیده‌هایی را در این مورد سروده و ماجرای گرفتارشدن دردربای خلیج فارس را قبلاً به صورت شعر نوشته بوده که بعدها به این نتیجه می رسد که این ماجرای مهیج را به صورت خاطره بنویسد. یکی دیگر از نکات جالب توجه این کتاب فصل بندی‌هایی است که داستان را شبیه رمان های پرماجرای دریایی کرده است. چون در هر فصل یک اتفاق جدید برای سرنشینان قایق می افتد که به زیبایی داستان کمک می کند. نکته دیگری که نمی توان از آن گذاشت توصیفات زیبا وشاعرانه نویسنده از حال و هوای دریاست که به صمیمیت قصه کمک می کند یا هم گوشه‌هایی از ماجراهای داستان را مرور می کنیم: «مقداری طناب داشتیم که سرهم کردیم تا بلندتر نشود وبه طناب لنگر اضافه کردیم تقریباً به ۳۰ متر می رسید. لنگر را به دریا افکندیم ولی به کف دریا نرسید. گویا عمق آب بیشتر بود....» «ناخدا کسالت داشت و گرسنه اش هم شده بود و دالم می گفت: فردا چه بر سرمان خواهد آمد و خدا یا به دادمان برس...» «صدای مرغان دریایی برآیمان شادی آفرین بود و آهنگ بقا وزندگی بر ما سایه می افکند....».... «به چپو رسیدیم وقایق را روی ماسه ها بالا کشیدیم کمر بسته دوروبرمان را گرفتند....» « نزدیک به سی ساعت است که نخوابیدیم... خورشید خود را از آب بالا می کشید رنگ طلایی و سرخ فامش دریا را رنگین کرده بود.»

سید گروه دانش دریا-امید عباسی - موضوع خلع ید و در نهایت تعطیلی پژوهشکده اکولوژی خزر، کارشناسان تعطیلی این پژوهشکده را خسارتی جبران‌ناپذیر در حوزه علوم دریایی کشور به‌ویژه در شمال کشور و ناحیه دریای خزر می‌دانند. پرونده خلع ید اراضی و در نهایت تعطیلی پژوهشکده اکولوژی دریای خزر در ۲۳ فروردین ماه ۱۴۰۴ آن‌هم پس از ۳۸ سال فعالیت مستمر یک اتفاق ساده نیست و نباید به سادگی از کنار آن گذشت.

به گزارش روزنامه دریایی اقتصاد سرآمد، ساختمان چوبی مربوط به شیلات که در زمان پهلوی اول و در نوار ساحلی خزر برای امور شیلاتی ساخته شده، گفته شده است که «پلاک ۲ فرعی از ۱۲۳ اصلی» در این اراضی از سال ۱۳۱۰ در اختیار دولت بوده و در سال ۱۳۲۸ نیز سند مالکیت دریافت کرده و پژوهشکده نیز این بنا را بازسازی و ترمیم کرده و در سال ۱۳۸۴ ثبت میراث فرهنگی شده است. حالا با مطرح شدن این پرونده، پژوهشکده اکولوژی دریای خزر، به‌عنوان میراث ماندگاری از علم و تحقیق و تجربه که روایت هزاران ساعت پژوهش را در خود دارد و با ابزار و تجهیزاتی به ارزش حداقل ۳ هزار میلیارد تومان برای فعالیت‌های تحقیقاتی و پژوهشی در معرض نابودی قرار گرفته است.

در حالی که کشور به‌سوی بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی و توسعه اقتصاد دریامحور حرکت می‌کند، تعطیلی ناگهانی تنها پژوهشکده اکولوژی دریای خزر، زنگ خطر جدی برای آینده تحقیقات شیلاتی و زیست‌محیطی شمال کشور به‌صدا درآورده است. اکنون حدود یک‌ماه از مهر و موم شدن این مرکز علمی با قدمتی بیش از نیم‌قرن می‌گذرد؛ مرکزی که نه‌تنها گنجینه‌ای از اطلاعات و نمونه‌های تحقیقاتی ارزشمند را در خود جای داده، بلکه سهم بسزایی در تربیت پژوهشگران، تولید دانش بومی و پشتیبانی علمی از آبریزی‌وری و امنیت غذایی کشور داشته است.

آنطور که تسنیم گزارش داده، کارکنان و محققان پژوهشکده در حالی روزهای بالاتکلیفی را سپری می‌کنند که سرمایه علمی و تجهیزات فنی آن در معرض نابودی کامل قرار گرفته است. حکم قضایی صادرشده برای این ملک که بر مبنای مدارک و صلح‌نامه‌ها، محل بحث و مناقشه حقوقی استوار شده، به اعتقاد بسیاری از کارشناسان و آگاهان حقوقی، خالی از ابهام و ایراد نیست. از جمله موارد مطرح‌شده می‌توان به استفاده نادرست از نظریه کارشناسی پیشین، نادیده گرفتن گزارش منابع طبیعی و ثبت اسناد مبنی بر ملی بودن اراضی و نیز عدم توجه به سابقه سند مالکیت دولتی صادرشده در دهه ۱۳۰۰ هجری شمسی اشاره کرد. علاوه‌بر این، پیشینه رأی دیوان‌عالی کشور در سال ۱۳۸۴ که ادعای مشابه خلع ید را رد کرده بود نیز نادیده گرفته شده و دادگاه بدوی مجدداً به همان موضوع وارد شده است.

در کنار این اشکالات فنی و حقوقی، اهمیت پژوهشکده دریای خزر از منظر راهبردی نیز انکارناپذیر است؛ مرکزی که می‌توانست محور توسعه دانش بنیان در حوزه منابع دریایی باشد، اکنون درگیر پرونده‌ای شده که بسیاری آن را ناشی از ضعف دفاع حقوقی گذشته و سهل‌انگاری‌های مدیریتی می‌دانند. آنچه بیش از پیش بر حساسیت این ماجرا می‌افزاید، هم‌زمانی آن با نیاز روزافزون کشور به جایگزینی منابع پروتئینی و جلوگیری از خروج ارز در واردات نهاده‌های دامی است؛ نیازی که دقیقاً در راستای مأموریت این پژوهشکده قرار دارد. در چنین شرایطی، تعلل در بازبینی و رسیدگی مصفانه به این پرونده، ممکن است خسارتی جبران‌ناپذیر به بدنه علمی و



زیست‌محیطی کشور وارد کند.

ماجرای زمین پژوهشگاه اکولوژی خزر چیست؟

علی‌اکبر واحدی، وکیل پژوهشکده اکولوژی دریای خزر در گفت‌وگویی با «تسنیم» جزئیات یکی از پیچیده‌ترین دعاوی مرتبط با اراضی ملی و اسناد مالکیت را تشریح کرد و گفت: در سال ۱۳۸۴، دادخواستی با موضوع خلع ید علیه مؤسسه تحقیقات (همان پژوهشکده کلی دریای خزر) از سوی دوفنر مطرح شد؛ افرادی که در پرونده اخیر نیز رأی به نفع آن‌ها صادر شده است. در این دعوا، این دوفنر مدعی بودند که پلاک ۲ فرعی از ۱۲۳ اصلی، به مساحت ۱۶۰۵ هکتار، متعلق به ایشان است. در دل همین پلاک، پلاک دیگری با شماره ۱۲۷ از ۲۲



وجود دارد که در مالکیت تحقیقات شیلات بوده و از منابع طبیعی به مؤسسه تحقیقات منتقل شده است.

وی ادامه داد: در زمان طرح دعوی در سال ۱۳۸۴، ادعای اصلی شش‌کیان این بود که پلاک ۲ فرعی از ۱۲۳ اصلی، ملک شخصی آن‌هاست؛ اما متأسفانه در همان سال ۱۳۸۴، دقت لازم در بررسی استعلامات صورت نگرفت و مشخص نشد که مالکیت رسمی این پلاک به نام چه کسی ثبت شده است. در نهایت، رأی ابتدایی به نفع خواهان‌ها صادر شد.

واحدی افزود: با طرح اعتراض، موضوع در شعبه ۱۰ دیوان‌عالی کشور مورد رسیدگی قرار گرفت. این شعبه استعلامی از اداره ثبت ساری انجام داد و مشخص شد که پلاک ۲ فرعی از ۱۲۳ اصلی، در سال ۱۳۱۰ توسط اداره شیلات درخواست ثبت شده و نهایتاً در سال ۱۳۲۸ سند مالکیت آن به نام اداره دارایی شعبه ۲ برداشت نادرستی که از مفاد آن شده بود، تعارض مازندران صادر شده است. در اسناد موجود هیچ اشاره‌ای به مالکیت خواهان‌ها نشده بود. با توجه به این مستندات، دیوان‌عالی کشور رأی پیشین را نقض و دادخواست خواهان‌ها را رد کرد.

این وکیل دادگستری گفت: در ادامه، دیوان همچنین با استناد به رأی وحدت‌رویه شماره ۶۸۱ اعلام کرد که اگر زمینی جزو اراضی ملی اعلام و گواهی قطعیت آن نیز صادر شده و اعتراضی نیز در مهلت مقرر صورت نگرفته باشد، آن زمین متعلق به دولت محسوب می‌شود، حتی اگر سند رسمی به نام دولت صادر نشده باشد؛ این موضوع نافعی مالکیت دولت نخواهد بود.

واحدی ادامه داد: در سال ۱۳۹۸، شاکیان مجدداً دادخواست

«روزنامه سرآمد» منتشر می‌کند؛

پژوهشکده اکولوژی خزر قربانی زمین خواری!

وکیل پژوهشکده می‌گوید: زمین از ملی بودن خارج نشده و همچنان متعلق به دولت است

شعبه ۱۵ تجدیدنظر ارجاع شد. این شعبه نیز با استناد به نظر کارشناسان، رأی صادره از شعبه ۵ را تأیید کرد. نکته جالب و قابل تأمل اینجاست که یکی از کارشناسان هیات، پیش‌تر در زمان اشتغال به‌عنوان رئیس اداره ثبت ساری در پاسخ رسمی اعلام کرده بود که تعارضی وجود ندارد، اما پس از بازنشستگی در نقش کارشناس در همان پرونده، اعلام کرد که تعارض وجود دارد و مساحت پلاک را نیز ۱۶۰۵ هکتار دانست.

وی افزود: نکته دیگر اینکه صلح‌نامه‌هایی که افراد ارائه داده‌اند، مربوط به قسمت مستثنیات پلاک بوده که در سال ۱۳۴۳ بنگاه آن را از دولت گرفته و به این افراد واگذار کرده است؛ یعنی برای ۱۶۰۵ هکتار صلح‌نامه تنظیم و به این افراد داده شده است. این زمین‌ها که جزو اراضی ملی بودند، در سال‌های ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ ابتدا به صورت اجاره به پنج نفر داده شده و در سال ۱۳۴۳ این افراد صلح‌نامه میان خود تنظیم کرده‌اند. این صلح‌نامه‌ها اولاً حدود اربعه مشخص نداشتند، ثانیاً مالکیت مشاعی داشتند و ثالثاً تنها به مستثنیات داخل مجموعه‌ای به وسعت ۱۶۰۵ هکتار از پلاک اصلی مربوط می‌شدند.

واحدی گفت: بیه دادگاه اعلام کردیم که این دادخواستی که ارائه شده، قبلاً در سال ۸۴ همن آقایان با همین خواسته خلع ید ارائه کرده بودند و شعبه ۱۰ دیوان‌عالی کشور آن را رد کرده بود و مشمول امر مختومه است. از طرفی، یک نامه‌ای توسط رئیس سازمان جهادکشاورزی به شعبه ۵ که موضوع دیگری داشت، ارسال شده بود که اعلام می‌کرد پلاک ۲ فرعی ۱۲۳ اصلی ۱۶۰۵ هکتار است و باقی ندارد. این نامه هیچ‌گاه مورد ارزیابی قضایی نه در شعبه ۵ نه در شعبه ۱۱ قرار نگرفت، اما شعبه ۱۱ این را مستند قرار داد و گفت که رئیس سازمان جهادکشاورزی اعلام کرده که این پلاک ۱۶۰۵ هکتار دارد؛ یعنی برخلاف اداره ثبت که مرجع جامعی اراضی است و اعلام کرده بود ۴۱۰۳ هکتار مساحت دارد و موقعیت آن را هم طبق کروکی مشخص کرده بود؛ نامه‌ای خلاف واقع از رئیس سازمان جهادکشاورزی که اصلاً در این دعوا شرکت نداشت و اطلاعی هم نداشت است که به شعبه دیگری ارسال شده و همین را ملاک عمل قرار داد و گفته‌اند این پلاک ۱۶۰۵ هکتار دارد.

زمینی که متعلق به دولت است را بالا کشیدند!

واحدی گفت: پروژه به‌عنوان بهره‌بردار بوده، مال دارای سند باطل شده است، اما از ملی بودن خارج نشده و همچنان متعلق به دولت است. متأسفانه شعبه ۱۹ منابع طبیعی را به‌عنوان ذی‌نفع شناخت و دادخواستش را رد کرد. بعد از این اعمال ماده ۴۷۷ کردیم و نسبت به همین پرونده شعبه ۱۱ دادگستری استان پذیرفت که این دادنامه خلاف بین شرع صادر شده و متأسفانه اینها رایزنی کردند. دادگستری استان تعیین کرد که رأی خلاف بین شرع است و معاون قضایی هم آن را تأیید کرد و نهایتاً پرونده رفت برای دستور رئیس قوه قضاییه. در این میان، اینها رایزنی‌هایی انجام دادند و اطلاعات اشتباهی قرار دادند که پلاک ۲ فرعی از ۱۲۳ اصلی ۱۶۰۵ هکتار است و مجموع صلح‌نامه‌های ما ۵ نفر هم ۱۶۰۵ هکتار است؛ پس این مقدار هم متعلق به ما ۵ نفر است، به‌صورت مشاعی هم صادر شده و رأی خلع ید پلاک مشاعی هم درست است که می‌نویسند پرونده باید بایگانی شود.

وی در پایان گفت: بااین حال، تمام مدارک و مستندات را طی لوائح قانونی به اجرای احکام دادیم، اما متأسفانه هیچ توجهی به خواسته ما نشد. اینکه به خواسته ما توجه نمی‌شود و به خواسته آن‌ها فوراً رسیدگی می‌شود، موضوعی است که باید هم از بُعد نظارتی، هم امنیتی و هم رسانه‌ای ریشه‌یابی شود که چرا آنچه ما اعلام می‌کنیم نادیده گرفته می‌شود و آنچه از سوی آن‌ها – حتی ناخواسته – بیان می‌شود، فوراً مبنای تصمیم‌گیری دادگاه قرار می‌گیرد.

را که قابل کشت بودند، تصرف کردند و به صاحبان پیشین تحویل ندادند.

واحدی بیان کرد: در سال ۱۳۹۲، با نفوذی که در برخی ادارات از جمله اداره ثبت و نهادهای مرتبط داشتند، گزارشی خلاف واقع تهیه و سعی کردند محتوای دادنامه‌های شعبه ۲ را وارونه جلوه دهند. در گزارش خود ادعا کردند که دادنامه شعبه ۲ و شعبه ۱۴، تعارض اسناد را پذیرفته است. متأسفانه هیات علمی در هیات نظارت ثبت نیز اعلام کرد که پلاک ۲ فرعی از ۱۲۳ اصلی، ۱۶۰۵ هکتار مساحت دارد؛ آن هم بدون انجام بررسی کارشناسی یا استعلام از منابع رسمی مانند ثبت اسناد برای تعیین مساحت دقیق این پلاک.

او گفت: در ادامه، هیات نظارت ثبت نیز این مساحت را بدون پشتوانه کارشناسی تأیید کرد و بر همان اساس، به استناد رأی شعبه ۲ برداشت نادرستی که از مفاد آن شده بود، تعارض میان اسناد پلاک ۲ فرعی از ۱۲۳ و ۲۷۷ فرعی از ۲۲ که متعلق به مؤسسه تحقیقات شیلات است، مورد استناد قرار گرفت. سپس، بر مبنای بند ۵ ماده ۲۵ قانون ثبت، وجود تعارض اسناد اعلام شد.

واحدی اظهار کرد: در پاسخ، مؤسسه تحقیقات که طبق قانون حق داشت نسبت به تصمیم هیات نظارت اعتراض کند، اقدام قانونی خود را آغاز کرد. موضوع در شعبه ۵ دادگاه

حقوقی ساری مطرح شد. این شعبه از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ به بررسی پرونده پرداخت، اما متأسفانه با اقداماتی، سند مالکیت پلاک ۲۷۷ از ۲۲ که متعلق به مؤسسه پژوهشی بود، باطل اعلام شد. واحدی گفت: با اعتراض مؤسسه تحقیقات، پرونده به

بدون شرح

قاپ دوربین



عکس: اصغر بشارتی

بدون شرح...



فریداعیزی - اقتصاد سرآمد